



ORIGINAL RESEARCH PAPER

The Duty to Retreat in Self-Defense: A Comparative Study of Iranian and United States Law

Mohammad Khani¹, Maryam Mohammadnia Hanaei^{2*}

Received:

23 Aug 2026

Revised:

07 Oct 2026

Accepted:

25 Oct 2026

Available Online:

22 Dec 2026

Keywords:

Self-Defense, Duty to Retreat, Deadly Force, Stand Your Ground, Castle Doctrine.

Abstract

The use of deadly force in self-defense raises a fundamental question: whether a defender must retreat when a safe avenue of escape is available. The answer reflects the tension between the individual's right to resist unlawful aggression and the legal system's interest in preserving human life and preventing avoidable violence. This study examines the legal status of the duty to retreat under Iranian criminal law and compares it with the principal approaches adopted in the United States. Using a descriptive-analytical and comparative method, the study analyzes Article 156 of the Iranian Islamic Penal Code, the jurisprudential foundations of self-defense, the duty-to-retreat rule, stand-your-ground laws, the castle doctrine, and Section 3.04 of the Model Penal Code. Iranian law does not expressly impose an independent duty to retreat. Nevertheless, the availability of a safe escape may affect the determination of whether deadly defensive force was necessary. In the United States, no uniform rule exists: some jurisdictions retain the duty to retreat, others follow stand-your-ground legislation, and most recognize some form of the castle doctrine. The study argues that neither an absolute duty to retreat nor the complete irrelevance of retreat is appropriate for Iranian law. It proposes a "circumstantial effect of retreat" model, under which retreat is treated as a relevant but non-conclusive factor in assessing necessity. Retreat should affect the legality of deadly force only when the escape route was real, immediate, known to the defender, reasonably safe, and did not expose the defender or a third person to a substantial risk. This approach protects the legitimate right of self-defense while restricting unnecessary lethal violence.

1 Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Neyshabur Branch, Neyshabur, Iran.

2* M.A. Student in Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Neyshabur Branch, Neyshabur, Iran. (Corresponding Author) Email: mrymmhmdnia@gmail.com

Please Cite This Article As: Khani, M & Mohammadnia Hanaei, M (2026). "The Duty to Retreat in Self-Defense: A Comparative Study of Iranian and United States Law". *Interdisciplinary Legal Research*, 7(5): 44-57.



This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0)

مقاله پژوهشی

(صفحات ۴۴-۵۷)

تکلیف به عقب‌نشینی در دفاع مشروع؛ مطالعه تطبیقی حقوق ایران و ایالات متحده آمریکا

محمد خانی^۱، مریم محمدنیا محنائی^{۲*}

۱. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نیشابور، نیشابور، ایران.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نیشابور، نیشابور، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: mrymmhmdnia@gmail.com

دریافت: ۱۴۰۵/۰۶/۰۱ ویرایش: ۱۴۰۵/۰۷/۱۵ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۸/۰۲ انتشار: ۱۴۰۵/۱۰/۰۱

چکیده

استفاده از نیروی مرگبار در دفاع مشروع، هنگامی که مدافع امکان ترک محل و اجتناب از رویارویی را دارد، از مسائل مناقشه‌برانگیز حقوق کیفری است. پرسش اصلی آن است که آیا مدافع پیش از توسل به نیرویی که نوعاً قابلیت سلب حیات یا ایجاد صدمه شدید جسمانی دارد، مکلف به عقب‌نشینی است یا می‌تواند در برابر مهاجم ایستادگی کند. ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی، دفاع را به ضرورت رفتار، وجود قرائن معقول یا خوف عقلایی و عدم امکان توسل مؤثر و فوری به قوای دولتی مشروط کرده، اما درباره تأثیر امکان عقب‌نشینی حکم صریحی ندارد. در حقوق ایالات متحده آمریکا نیز راه‌حل واحدی وجود ندارد و باید میان قاعده تکلیف به عقب‌نشینی، قانون مجازات نمونه، دکترین قلعه و قوانین اصل ایستادگی تفکیک کرد. پژوهش حاضر با روش تحلیلی - تطبیقی و رویکرد کارکردی و هنجاری، جایگاه عقب‌نشینی را در ساختار دفاع مشروع بررسی می‌کند. یافته تحقیق نشان می‌دهد که در حقوق ایران، تکلیف مستقل و مطلق به عقب‌نشینی وجود ندارد؛ بالاین‌حال، امکان واقعی، فوری و ایمن خروج می‌تواند یکی از قرائن مؤثر در احراز ضرورت استفاده از نیروی مرگبار باشد. صرف وجود راه فرار، بدون احراز آگاهی مدافع، امکان عملی خروج و فقدان خطر افزوده برای او یا اشخاص ثالث، برای نفی دفاع مشروع کافی نیست. بر این اساس، ارزیابی عقب‌نشینی باید بر پایه معیاری تلفیقی و متناسب با اوضاع واقعی حادثه انجام شود.

کلمات کلیدی: دفاع مشروع، نیروی مرگبار، تکلیف به عقب‌نشینی، اصل ایستادگی، دکترین قلعه، ضرورت دفاع.

مقدمه

دفاع مشروع از مهم‌ترین عوامل موجهه جرم است که در صورت تحقق، رفتار دفاعی را به سبب ضرورت دفع تجاوز یا خطر ناحق، در حدود قانون مباح می‌سازد؛ بر خلاف عوامل رافع مسؤولیت کیفری که در آن‌ها رفتار همچنان نامشروع است، اما به دلیل فقدان شرایط انتساب، مسؤولیت کیفری مرتکب منتفی می‌شود. از این‌رو، به‌ویژه در موارد منتهی به مرگ یا صدمه شدید مهاجم، احراز دقیق شرایط دفاع ضروری است؛ زیرا دفاع مشروع مجوز نامحدود خشونت نیست و باید برای دفع خطر، لازم و متناسب باشد (اردبیلی، ۱۴۰۰: ۲۶۷).

یکی از مسائل محل اختلاف، وجود امکان ترک محل یا فاصله‌گرفتن از خطر است. پرسش اساسی آن است که آیا مدافع پیش از توسل به نیروی مرگبار مکلف به عقب‌نشینی است یا شخصی که قانوناً در محل حضور دارد، حق ایستادگی در برابر تجاوز ناحق را دارد. پاسخ، به مبانی هر نظام حقوقی درباره حق حیات، کرامت، خودمختاری فرد و کاهش خشونت اجتماعی وابسته است. بر اساس نظریه تکلیف به عقب‌نشینی، وجود راه ایمن، توسل به نیروی مرگبار را غیرضروری می‌کند؛ در مقابل، نظریه ایستادگی، فرار را از شخص حاضر در محل قانونی مطالبه نمی‌کند. ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی، دفاع در برابر تجاوز یا خطر فعلی یا قریب‌الوقوع را، با شرایطی مانند ضرورت رفتار دفاعی، اتکا به قرائن معقول یا خوف عقلایی، ایجاد نشدن خطر بر اثر اقدام آگاهانه یا تجاوز مدافع و نبود امکان توسل مؤثر و فوری به قوای دولتی، موجب عدم مجازات می‌داند؛ اما درباره اثر امکان فرار تصریحی ندارد. از این سکوت، سه برداشت قابل ارائه است: فقدان تکلیف اصولی به عقب‌نشینی، منتفی‌شدن ضرورت نیروی مرگبار در صورت وجود راه خروج ایمن، یا تلقی امکان عقب‌نشینی به‌عنوان قرینه‌ای در ارزیابی ضرورت، نه شرطی مستقل؛ این سکوت از کاستی‌های مقررات دفاع مشروع دانسته شده است (شمس‌ناتری و زارع، ۱۳۹۶: ۱۴۲).

در تحلیل موضوع باید میان امکان نظری و امکان واقعی و ایمن عقب‌نشینی تفکیک کرد؛ زیرا وجود مسیر خروج لزوماً به معنای امکان عملی فرار نیست. افزایش خطر بر اثر پشت کردن، ناآگاهی از مسیر، فقدان فرصت تصمیم‌گیری، ناتوانی جسمانی یا قرار گرفتن شخص ثالث در معرض تعرض، می‌تواند عقب‌نشینی را منتفی سازد. بنابراین، امکان فرار تنها زمانی در مشروعیت دفاع

مؤثر است که واقعی، فوری، ایمن و برای مدافع قابل تشخیص باشد. همچنین، با توجه به معیارهای «قرائن معقول» و «خوف عقلایی» در ماده ۱۵۶، ضرورت دفاع باید بر اساس اوضاع لحظه خطر و ادراک متعارف مدافع سنجیده شود، نه ارزیابی پسینی. عدم انطباق کامل واقعیت با تصور مدافع نیز، در صورت معقول بودن باور او، لزوماً دفاع را زائل نمی‌کند (آقای نی و دبستانی، ۱۳۹۴: ۱۷۵).

در ایالات متحده آمریکا نیز رویکرد واحدی وجود ندارد: برخی ایالت‌ها عقب‌نشینی ایمن را در فضای عمومی لازم می‌دانند و بسیاری اصل ایستادگی را پذیرفته‌اند. قانون مجازات نمونه، نیروی مرگبار را در صورت آگاهی از امکان دستیابی به امنیت کامل از طریق عقب‌نشینی محدود، اما منزل و محل کار را مستثنا می‌کند. دکتین قلعہ نیز بر نبود تکلیف به عقب‌نشینی در منزل تأکید دارد؛ بنابراین، تکلیف به عقب‌نشینی، اصل ایستادگی و دکتین قلعہ، مفاهیمی متمایزند. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و مطالعه تطبیقی کارکردی، امکان استنباط تکلیف به عقب‌نشینی از شرط ضرورت در حقوق ایران را بررسی می‌کند. فرضیه آن است که ماده ۱۵۶ متضمن تکلیف مطلق به فرار نیست؛ با این حال، امکان واقعی، فوری و ایمن عقب‌نشینی می‌تواند قرینه‌ای مهم در احراز ضرورت توسل به نیروی مرگبار باشد. نوآوری پژوهش، ارائه معیاری تلفیقی بر پایه آگاهی مدافع، امکان عملی خروج، امنیت مسیر، فرصت تصمیم‌گیری و خطر احتمالی برای اشخاص ثالث است.

۱- مفهوم‌شناسی و مبانی تکلیف به عقب‌نشینی

۱-۱- دفاع مشروع و ماهیت موجهه آن

دفاع مشروع واکنشی ضروری در برابر تجاوزی ناحق به جان، مال، عرض یا آزادی تن است که وصف مجرمانه رفتار مدافع را زائل می‌سازد. بدین‌رو، این نهاد در زمره «عوامل موجهه جرم» قرار می‌گیرد؛ یعنی برخلاف عوامل رافع مسؤولیت که رفتار نامشروع را صرفاً غیرقابل انتساب می‌کنند، دفاع مشروع در محدوده قانونی، رفتاری مجاز محسوب می‌شود (اردبیلی، ۱۴۰۰: ۲۶۷).

این ماهیت موجهه بدین معناست که مشروعیت دفاع، تنها تابع وضعیت روانی مدافع نیست و نیازمند وجود تجاوز یا خطر خارجی است. البته با پذیرش «خوف عقلایی» در بند "ب" ماده ۱۵۶

امن و قابل اجرا باشد و مدافع نیز از آن آگاه باشد یا عرفاً بتواند آگاه شود. ارزیابی این امر بدون توجه به فوریت تصمیم، اضطراب ناشی از حمله، توان جسمانی مدافع و رفتار متغیر مهاجم، غیر واقع‌بینانه است.

۴-۱- تکلیف به عقب‌نشینی

تکلیف به عقب‌نشینی، الزام مدافع به ترک محل پیش از توسل به نیروی مرگبار است؛ مشروط بر اینکه خطر از طریق خروج ایمن دفع شود. در نظام‌های پذیرنده این قاعده، نیروی مرگبار تنها در نبود راه امن برای اجتناب از آن موجه است؛ زیرا سلب حیات مهاجم باید آخرین راهکار باشد. با این حال، این تکلیف مطلق نیست. از مدافع انتظار نمی‌رود با پذیرش خطر، عبور از مسیر نامطمئن یا قرار گرفتن در معرض تعقیب، محل را ترک کند. در قانون مجازات نمونه ایالات متحده آمریکا نیز عقب‌نشینی زمانی مؤثر است که شخص بداند از این طریق به «امنیت کامل» می‌رسد. در نتیجه، احتمال فرار کافی نیست و آگاهی مدافع از امکان خروج امن، عنصر اساسی قاعده است.

۵-۱- اصل ایستادگی

اصل ایستادگی (Stand Your Ground) در برابر تکلیف به عقب‌نشینی قرار دارد. بر اساس آن، شخصی که قانوناً در محل حضور دارد و آغازگر تجاوز نیست، پیش از استفاده از نیروی دفاعی لازم، مکلف به فرار از مهاجم نیست؛ زیرا قربانی نباید اثر رفتار غیرقانونی مهاجم، ناگزیر از ترک محل دارای حق حضور شود. با این حال، این اصل مجوز استفاده نامحدود از نیروی مرگبار نیست. خطر باید شدید و قریب‌الوقوع باشد و باور مدافع به ضرورت استفاده از نیرو، معقول ارزیابی شود. بنابراین، اصل ایستادگی فقط شرط فرار را حذف می‌کند و دیگر شرایط دفاع مشروع پابرجاست.

۶-۱- دکترین قلعه

دکترین قلعه (Castle Doctrine) بر این مبناست که منزل، پناهگاه شخص است و وی در آن تکلیفی به عقب‌نشینی ندارد. قلمرو آن معمولاً از اصل ایستادگی محدودتر است؛ اصل ایستادگی در هر محل دارای حق حضور قابل اعمال است، اما دکترین قلعه اصولاً منزل و گاه محل کار یا وسیله نقلیه را دربر می‌گیرد. این تمایز در مطالعه تطبیقی مهم است؛ زیرا یک نظام ممکن است عقب‌نشینی را در اماکن عمومی لازم، اما در منزل

قانون مجازات اسلامی، قانون‌گذار دفاع مبتنی بر قرائن معقول را حتی در صورت اشتباه مدافع نیز پذیرفته است تا از خشونت‌های غیرمنطقی و ذهنی جلوگیری کند (آقایی‌نیا و دبستانی، ۱۳۹۴: ۱۷۵).

۲-۱- مفهوم نیروی مرگبار

نیروی مرگبار رفتاری است که مرتکب می‌داند یا با توجه به اوضاع و احوال باید بداند قابلیت ایجاد مرگ یا صدمه شدید جسمانی دارد. ملاک، صرفاً نتیجه رفتار نیست؛ ممکن است نیرویی نوعاً مرگبار باشد، اما به مرگ مهاجم نینجامد؛ یا رفتاری ظاهراً غیرمرگبار، بر اثر شیوه استفاده، محل اصابت، وضعیت جسمانی مهاجم یا ابزار به‌کاررفته، مرگبار تلقی شود. بنابراین، تشخیص آن به نوع رفتار، ابزار، شدت، موضع اصابت و شرایط طرفین وابسته است، نه فقط نتیجه حادثه.

اهمیت تعریف دقیق این مفهوم در آن است که شرایط توسل به آن از نیروی دفاعی عادی سخت‌گیرانه‌تر است. هر تجاوزی مجوز کشتن مهاجم نیست و دفاع منتهی به مرگ یا صدمه شدید اصولاً باید در برابر خطری هم‌سنگ، مانند قتل، آسیب شدید جسمانی یا تعرض سنگین، اعمال شود. در جرائم علیه تمامیت جسمانی، شدت خطر و نوع وسیله دفاعی از عناصر اصلی احراز مشروعیت رفتارند (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۳: ۳۱۳).

۳-۱- مفهوم عقب‌نشینی و امکان فرار

عقب‌نشینی، ترک موقعیت خطر یا ایجاد فاصله مؤثر از مهاجم برای پرهیز از نیروی مرگبار است و با فرار صرفاً فیزیکی تفاوت دارد. تحقق آن مستلزم وجود راه خروجی واقعی، در دسترس و ایمن، همراه با فرصت و توان استفاده مدافع از آن است؛ از این‌رو، باید میان امکان نظری فرار و امکان عملی و ایمن عقب‌نشینی تمایز نهاد. امکان نظری، تصور مسیر خروج پس از حادثه است، بی‌آنکه معلوم باشد مدافع در لحظه خطر از آن آگاه بوده یا توان استفاده امن از آن را داشته است. امکان عملی هنگامی محقق می‌شود که راه خروج برای مدافع قابل تشخیص، در دسترس و فاقد خطر جدی تازه باشد. برای نمونه، دری که مهاجم مسلح میان مدافع و آن قرار دارد، راه امن عقب‌نشینی نیست. همچنین، پشت کردن به مهاجم، عبور از محل ناشناخته یا رها کردن کودک یا شخص ناتوان، عقب‌نشینی ایمن محسوب نمی‌شود. بنابراین، امکان فرار دارای دو بعد عینی و ذهنی است: مسیر باید

تعقیب مهاجم گردد، جایگزین مطلوبی نیست. در حقوق ایران، برخی صاحب‌نظران با استناد به همین مبنا، «عدم امکان فرار» را شرط تحقق دفاع منتهی به قتل دانسته و توسل به دفاع کشنده را در صورت امکان گریز، خارج از دایره اباحه کامل و مستوجب مسؤولیت (دیه و تعزیر) تلقی کرده‌اند (قاسمی‌مقدم و میرسعیدی، ۱۴۰۰: ۳۲۲).

۳-۲- قاعده رعایت مراتب دفاع

در فقه امامیه، مدافع باید دفاع را از خفیف‌ترین شیوه مؤثر آغاز کند و تنها در صورت ناکارآمدی آن به اقدامات شدیدتر متوسل شود؛ این حکم در قاعده «الأسهل فالأسهل» انعکاس یافته است. بنابراین، هرگاه دفع خطر با اخطار، فریاد، تهدید یا نیروی غیرمرگبار ممکن باشد، ایراد صدمه شدید یا قتل مشروع نیست. قانون‌گذار نیز در ماده ۱۵۶ بر ضرورت رفتار دفاعی و در تبصره ۲ ماده ۳۰۲ بر منع تجاوز از مراتب دفاع تأکید کرده است.

شمس‌ناتری و زارع، رعایت مراتب دفاع را از مهم‌ترین تحولات قانون مجازات اسلامی دانسته و با استناد به تحریرالوسیله، گذار تدریجی از روش خفیف‌تر به شدیدتر را ضروری می‌دانند (شمس‌ناتری و زارع، ۱۳۹۶: ۱۲۹). به نظر آنان، این قاعده رعایت تناسب در ابزار و رفتار دفاعی را ایجاب می‌کند؛ هرچند قانون در خصوص امکان یا الزام فرار صراحت ندارد (شمس‌ناتری و زارع، ۱۳۹۶: ۱۴۲).

با این حال، فرار لزوماً از مراتب دفاع نیست؛ زیرا باید میان «شیوه دفع» و «ترک حق دفاع» تمایز نهاد. قاعده «الأسهل فالأسهل» ناظر به انتخاب مؤثرترین وسیله خفیف برای دفع تجاوز است، درحالی‌که عقب‌نشینی ممکن است صرفاً مدافع را از محل خطر دور کند، بدون آن‌که تجاوز یا خطر نسبت به او یا دیگران پایان یابد. از این‌رو، نمی‌توان از این قاعده، تکلیف عام و مطلق به فرار را استنباط کرد.

۴-۲- حفظ نفس و حرمت قتل

در مسأله عقب‌نشینی، حفظ نفس مدافع و حرمت تعرض به حیات مهاجم با یکدیگر در تزامن قرار می‌گیرند. هرچند مهاجم با آغاز تجاوز، سبب تحقق دفاع می‌شود، حمایت از حیات او فقط در حدود ضرورت دفع خطر کاهش می‌یابد؛ از این‌رو، هرگاه دفع خطر بدون قتل ممکن باشد، اصل حرمت نفس مانع توسل به نیروی مرگبار است. بر این مبنا، قائلان به تکلیف عقب‌نشینی،

منتفی بدانند. پس، نبود تکلیف به فرار از منزل لزوماً به معنای پذیرش اصل ایستادگی عمومی نیست. در فلوریدا، افزون بر حمایت ویژه در محل سکونت، عدم تکلیف به عقب‌نشینی در قلمروی گسترده‌تر پذیرفته شده است؛ بنابراین، نظام این ایالت را نمی‌توان صرفاً دکتین قلع دانست.

۲- مبانی فقهی، فلسفی و سیاست جنایی عقب‌نشینی

۱-۲- حق طبیعی دفاع

یکی از مبانی دفاع مشروع، حق طبیعی دفاع است. بر اساس این دیدگاه، حفظ نفس و مقاومت در برابر تجاوز، حقی پیشینی و برخاسته از سرشت انسان است و قانون فقط آن را شناسایی می‌کند. از این‌رو، مدافع و مهاجم در موقعیت برابر نیستند؛ زیرا مهاجم نظم حقوقی را نقض کرده و مدافع برای حمایت از حق مورد تعرض واکش نشان می‌دهد. در نتیجه، الزام مدافع به فرار می‌تواند به معنای ترجیح عملی مهاجم بر قربانی و کاهش منزلت شخص مورد تجاوز باشد. در منابع اسلامی نیز دفاع از نفس، عرض، ناموس و مال مشروع و گاه واجب دانسته شده است. همچنین، روایات مربوط به شهادت کسی که در راه دفاع از جان، مال یا دفع ظلم کشته می‌شود، بر ارزش شرعی مقاومت در برابر تجاوز دلالت دارد. بنابراین، مشروعیت دفاع در این منابع صرفاً مبتنی بر اذن حکومتی نیست، بلکه در حق و گاه تکلیف، شخص برای صیانت از ارزش‌های بنیادین ریشه دارد (شمس‌ناتری و زارع، ۱۳۹۶: ۱۲۷). با این حال، پذیرش حق طبیعی دفاع به معنای نفی محدودیت‌ها نیست. این حق باید در حدود ضرورت اعمال شود و مهاجم نیز صرفاً آغاز تجاوز، مطلقاً از حمایت حق حیات محروم نمی‌شود. بنابراین، نظریه حق طبیعی به‌تنهایی روشن نمی‌کند که آیا مدافع، با وجود راه خروج ایمن، مجاز به استفاده از نیروی مرگبار است.

۲-۲- اصل ضرورت

«اصل ضرورت»، مبانی نظریه تکلیف به عقب‌نشینی است. دفاع، تنها زمانی مشروع است که برای دفع خطر اجتناب‌ناپذیر بوده و وسیله‌ای کم‌زیان‌تر جهت مهار تهاجم موجود نباشد؛ لذا در صورت امکان گریز ایمن، توسل به نیروی مرگبار فاقد وصف «ضرورت» است. این اصل با صرف «تناسب» متفاوت بوده و مشروط به فقدان جایگزین مؤثر و کم‌خطر است؛ از این‌رو عقب‌نشینی تنها در صورتی بر دفاع مقدم است که به نحو قطعی موجب انتفای خطر شود. چنانچه فرار، موجب تشدید تعرض یا

۳- جایگاه تکلیف به عقب‌نشینی در حقوق کیفری ایران

دفاع مشروع در حقوق کیفری ایران تابع شرایط ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی است و در صورت ضرورت دفاع، اتکاء آن به قرائن معقول یا خوف عقلایی، عدم ایجاد خطر به وسیله مدافع نبود امکان توسل مؤثر و فوری به قوای دولتی، برای دفع تجاوز یا خطر فعلی یا قریب‌الوقوع نسبت به نفس، عرض، ناموس، مال یا آزادی تن، جرم محسوب نمی‌شود. امکان عقب‌نشینی نیز عمدتاً در چارچوب شرط «ضرورت دفاع» ارزیابی می‌شود (اردبیلی، ۱۴۰۰: ۲۷۴).

این ماده تکلیف صریحی به فرار یا ترک محل، حتی پیش از دفاع مرگبار، مقرر نکرده است. در دکترین، سه دیدگاه مطرح است: نخست، سکوت قانون‌گذار مانع تحمیل تکلیف عقب‌نشینی است؛ زیرا چنین الزامی با اصل قانونی بودن و تفسیر مضیق قوانین کیفری ناسازگار است (گلدوزیان، ۱۴۰۳: ۳۲۸). دوم، در صورت امکان خروج ایمن و مؤثر، استفاده از نیروی مرگبار ضروری نیست؛ زیرا ضرورت دفاع مستلزم فقدان راهکار کم‌زیان‌تر است (قاسمی‌مقدم و میرسعیدی، ۱۴۰۰: ۳۲۶). سوم، امکان عقب‌نشینی نه شرطی مستقل و نه بی‌اثر، بلکه قرینه‌ای در احراز ضرورت دفاع است؛ دیدگاهی که با ساختار ماده ۱۵۶ سازگاری بیشتری دارد.

بر این اساس، امکان خروج نباید به صورت نظری و پسینی سنجیده شود. خروج تنها زمانی واقعی و مؤثر است که مدافع در لحظه حادثه از آن آگاه باشد، فرصت استفاده داشته باشد، مسیر قابل تشخیص و ایمن باشد و ترک محل خطر وی یا دیگران را افزایش ندهد. بنابراین، وجود صرف مسیر فیزیکی، با اتکا به «دانش پس از واقعه»، برای نفی دفاع مشروع کافی نیست. ارزیابی ضرورت باید با لحاظ شدت خطر، رفتار مهاجم، فرصت تصمیم‌گیری، وضعیت جسمانی و روانی مدافع، فاصله طرفین، امکان استمداد، امنیت مسیر و خطر نسبت به اشخاص ثالث انجام شود و قرائن نیز به صورت مجموعی و از حیث کیفیت، کفایت، انسجام، ارتباط و قابلیت ارزیابی سنجیده شوند (خانی، ۱۴۰۵: ۲۶۱-۲۶۳).

اعتبار «قرائن معقول یا خوف عقلایی» در بند "ب" ماده ۱۵۶، بر اهمیت ادراک متعارف مدافع در لحظه خطر دلالت دارد؛ از این رو، کشف بعدی راه خروجی که مدافع آن را به طور معقول ناامن یا

فرار ایمن را راه جمع میان دو ارزش می‌دانند؛ زیرا هم جان مدافع حفظ می‌شود و هم از قتل مهاجم جلوگیری می‌گردد. با این حال، این استدلال زمانی تمام است که عقب‌نشینی واقعا و با اطمینان متعارف موجب رفع خطر شود؛ وگرنه، اگر فرار خطر قتل مدافع را افزایش دهد، دیگر وسیله جمع میان دو حق نخواهد بود، بلکه چه‌بسا به ترجیح حیات مهاجم بر حیات مدافع بینجامد.

۵-۲- خودمختاری و منزلت مدافع

اجبار قربانی به ترک محل، ممکن است آزادی او را به سبب تجاوز دیگری محدود کند؛ از این رو، شخص دارای حق حضور در خانه، محل کار یا فضای عمومی، اصولاً نباید در برابر مهاجم از حق خود چشم‌پوشد. این اندیشه در دکترین قلعه و اصل ایستادگی بازتاب یافته است. با این حال، خودمختاری مجوز خشونت غیر ضروری نیست و حق حضور، ملازمه‌ای با حق سلب حیات ندارد. بنابراین، منزلت مدافع اقتضا می‌کند به گریز خطرناک یا تحقیرآمیز وادار نشود؛ اما حرمت حیات نیز استفاده از نیروی مرگبار را به وجود خطر شدید و فقدان راه مؤثر و امن دیگر محدود می‌سازد.

۶-۲- کاهش خشونت و سیاست جنایی

تکلیف به عقب‌نشینی، با سوق دادن اشخاص به راه‌حل‌های غیر خشونت‌آمیز، می‌تواند از قتل‌های قابل اجتناب بکاهد؛ لیکن پذیرش مطلق اصل ایستادگی نیز ممکن است تعارض‌های مهارپذیر را به خشونت مرگبار بدل و مرز دفاع و انتقام را مخدوش کند. در عین حال، الزام به عقب‌نشینی در موقعیت خطر شدید، تصمیم‌گیری مدافع را دشوار می‌سازد و ممکن است پس از واقعه، با ارزیابی انتزاعی، مسیر ناامن خروج، راه فرار تلقی شود؛ افزون بر آن، مهاجمان ممکن است از چنین تکلیفی سوءاستفاده کنند.

بنابراین، سیاست جنایی متعادل باید میان کاهش خشونت قابل اجتناب و حمایت مؤثر از قربانی جمع کند. بر این اساس، هیچ‌یک از قواعد مطلق «همواره فرار کن» و «هرگز مکلف به فرار نیستی» پاسخ‌گوی همه وضعیت‌ها نیست. در حقوق ایران، امکان عقب‌نشینی باید نه شرطی مستقل و مطلق، بلکه قرینه‌ای در احراز ضرورت دفاع، در کنار شدت خطر، آگاهی مدافع، فرصت تصمیم‌گیری، امنیت مسیر خروج و خطر متوجه اشخاص ثالث، تلقی شود.

غیرقابل استفاده می‌پنداشته است، دفاع را نامشروع نمی‌سازد. معیار، تلفیق عناصر عینی و شخصی و بررسی این امر است که آیا شخص متعارف در همان وضعیت زمانی، مکانی، جسمانی و روانی، خروج را واقعی، قابل تشخیص و ایمن می‌دانست یا خیر (خانی، ۱۴۰۵: ۲۵۹، ۲۶۲؛ آقایی‌نیا و دبستانی، ۱۳۹۴: ۱۸۳).

همچنین، اگر ترک محل به رهاشدن کودک، سالمند، بیمار یا شخص ثالث در معرض تعرض بینجامد، خروج راهکار مؤثر دفع خطر محسوب نمی‌شود؛ زیرا دفاع مشروع حمایت از دیگری را نیز در برمی‌گیرد. قاعده رعایت مراتب دفاع در فقه امامیه نیز ناظر بر انتخاب وسیله متناسب و کم‌خطرتر است، نه الزام مطلق به ترک محل؛ بنابراین، عقب‌نشینی موجب استمرار یا تشدید خطر، راهکار کم‌زیان‌تر تلقی نمی‌شود (خمینی، ۱۳۸۵: ۲/۴۸۸؛ شهید اول، ۱۳۸۶: ۳۶۱؛ محقق داماد، ۱۴۰۰: ۲۹۸). رویه قضایی نیز غالباً اوضاع و احوال حادثه را مجموعی ارزیابی کرده و وجود فرضی راه خروج را به تنهایی برای نفی دفاع مشروع کافی نمی‌داند (معاونت آموزش قوه قضاییه، ۱۳۹۹). بنابراین، حقوق کیفری ایران نه امکان فرار را مطلقاً بی‌اثر می‌داند و نه عقب‌نشینی را به‌طور مطلق واجب می‌شمارد. امکان خروج تنها زمانی ضرورت دفاع مرگبار را منتفی می‌کند که آگاهی مدافع، فرصت کافی، ایمنی خروج برای وی و اشخاص ثالث و امکان دفع خطر بدون توسل به نیروی مرگبار احراز شود؛ تفسیری که با ماده ۱۵۶، اصل برائت و کنترل عقلایی تصمیم قضایی سازگارتر است (خانی، ۱۴۰۵: ۲۷۴-۲۷۶).

۴- تکلیف به عقب‌نشینی در حقوق ایالات متحده آمریکا

بررسی تکلیف به عقب‌نشینی در حقوق ایالات متحده، به دلیل ساختار فدرالی و تعدد منابع حقوق کیفری، مستلزم پرهیز از تعمیم یک قاعده واحد به همه ایالت‌هاست. قواعد دفاع مشروع در این نظام از کامن‌لا، قوانین ایالتی، رویه قضایی و الگوهای پیشنهادی، به‌ویژه قانون مجازات نمونه، تأثیر پذیرفته‌اند؛ به‌گونه‌ای که برخی ایالت‌ها عقب‌نشینی ایمن را شرط توسل به نیروی مرگبار دانسته و برخی دیگر، با پذیرش «اصل ایستادگی»، شخص دارای حق حضور قانونی را از عقب‌نشینی معاف کرده‌اند (رحیمی‌پور، ۱۳۹۸: ۳۷۴؛ قاسمی‌مقدم و میرسعیدی، ۱۴۰۰: ۳۲۳).

در کامن‌لای سنتی، نیروی مرگبار آخرین راهکار دفاعی بود و بر پایه قاعده «عقب‌نشینی تا دیوار»، شخص مکلف بود، در صورت وجود راهی نسبتاً امن و بدون تحمل خطر جدی، از درگیری اجتناب کند. مبنای این قاعده، حمایت از حیات و جلوگیری از قتل‌های قابل اجتناب بود؛ با این حال، مدافع ملزم نبود برای حفظ جان مهاجم، خود را در معرض خطر تازه یا مسیر نامعلوم و ناامن قرار دهد (Alexander, 2021: 176؛ قاسمی‌مقدم و میرسعیدی، ۱۴۰۰: ۳۲۶؛ Reinhart, 2007: 2؛ رحیمی‌پور، ۱۳۹۸: ۳۷۶). در مقابل، تحول حقوق کیفری آمریکا به شکل‌گیری «اصل ایستادگی» انجامید؛ اصلی که به موجب آن، شخص حاضر در محل قانونی، اصولاً پیش از دفاع مکلف به عقب‌نشینی نیست. این اصل، سایر شرایط دفاع مشروع، از جمله غیرقانونی بودن تجاوز، فوریت و شدت خطر و معقول بودن باور مدافع را منتفی نمی‌کند (رحیمی‌پور، ۱۳۹۸: ۳۷۸؛ قاسمی‌مقدم و میرسعیدی، ۱۴۰۰: ۳۲۴؛ Ackermann et al., 2015: 112).

قانون مجازات نمونه موضعی میانه اتخاذ کرده است. مطابق بخش ۳۰۴، استفاده از نیرو هنگامی موجه است که شخص واقعا باور داشته باشد چنین نیرویی فوراً برای دفع نیروی غیرقانونی ضرورت دارد؛ و نیروی مرگبار نیز به خطر مرگ، صدمه شدید جسمانی، ربایش یا تعرض جنسی اجباری محدود می‌شود. باین حال، چنانچه مدافع بداند از طریق عقب‌نشینی به «امنیت کامل» دست می‌یابد، توسل او به نیروی مرگبار مجاز نیست. بنابراین، صرف وجود عینی راه خروج کافی نبوده و علم مدافع به امکان خروج امن و عملی نیز ضرورت دارد (Alexander, 2021: 183, 185؛ رحیمی‌پور، ۱۳۹۸: ۳۸۱-۳۸۰؛ قاسمی‌مقدم و میرسعیدی، ۱۴۰۰: ۳۲۹-۳۲۸).

در این زمینه، «دکترین قلعه» استثنایی برای منزل و در مواردی، محل کار یا وسیله نقلیه ایجاد می‌کند. بر اساس این دکترین، شخص اصولاً مکلف به ترک منزل نیست؛ زیرا خانه قلمرو ویژه امنیت اوست. باین حال، واکنش مرگبار همچنان به احراز خطر جدی و ضرورت دفاع منوط است. تفاوت آن با اصل ایستادگی در این است که دکترین قلعه عمدتاً به منزل و اماکن مشابه محدود می‌شود، اما اصل ایستادگی همه مکان‌های دارای حضور قانونی را در برمی‌گیرد (Reinhart, 2007: 3-4؛ رحیمی‌پور، ۱۳۹۸: ۳۸۳-۳۸۲؛ قاسمی‌مقدم و میرسعیدی، ۱۴۰۰: ۳۲۴، ۳۳۱).

اما نسبت دادن این ارکان به امکان عقب‌نشینی یکسان نیست. در حقوق ایران، ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی درباره اثر امکان فرار تصریحی ندارد و جایگاه آن باید از مفاهیمی چون ضرورت رفتار، خوف عقلایی، قرائن معقول و رعایت مراتب دفاع استنباط شود؛ حال آنکه در حقوق آمریکا، قوانین ایالتی یا قانون مجازات نمونه غالباً حکم عقب‌نشینی را صریحاً بیان کرده‌اند (شمس‌ناتری و زارع، ۱۳۹۶: ۱۴۲؛ رحیمی‌پور، ۱۳۹۸: ۳۸۷).

نخست، از حیث صراحت تقنینی، حقوق ایران صرفاً بر ضروری بودن رفتار دفاعی تأکید کرده و روشن نکرده است که وجود راه خروج، ضرورت را منتفی می‌کند یا نه. همین ابهام موجب اختلاف نظر شده است؛ برخی، از سکوت قانون، عدم تکلیف به فرار را نتیجه گرفته‌اند و برخی دیگر، امکان خروج ایمن را با شرط ضرورت ناسازگار دانسته‌اند. در مقابل، قانون مجازات نمونه آمریکا علم به امکان تأمین امنیت از طریق عقب‌نشینی را مانع استفاده از نیروی مرگبار می‌شناسد (قاسمی‌مقدم و میرسعیدی، ۱۴۰۰: ۳۲۶؛ رحیمی‌پور، ۱۳۹۸: ۳۸۱).

دوم، از حیث مبنای نظری، رعایت مراتب دفاع در حقوق ایران ریشه‌ای فقهی دارد و بر قاعده «الأسهل فالأسهل» استوار است؛ باین حال، این قاعده لزوماً به معنای تکلیف به عقب‌نشینی نیست، زیرا فرار همیشه به دفع خطر نمی‌انجامد. در حقوق آمریکا نیز، به‌ویژه در نظام‌های مبتنی بر ایستادگی، حق حضور قانونی و منع اجبار قربانی به فرار در کنار ضرورت مورد توجه است (خمینی، ۱۳۸۵: ۴۸۸؛ شمس‌ناتری و زارع، ۱۳۹۶: ۱۲۹).

سوم، معیار ارزیابی ادراک مدافع در دو نظام به هم نزدیک است. تعبیر «قرائن معقول یا خوف عقلایی» در ماده ۱۵۶، با معیار «باور معقول» در حقوق آمریکا قرابت دارد؛ هر دو، ترس صرفاً شخصی را کافی نمی‌دانند، اما به شرایط واقعی مدافع در لحظه حادثه نیز توجه می‌کنند. بنابراین، معیار مطلوب تلفیقی از عناصر ذهنی و عینی است: نخست، باید احراز شود که مدافع واقعاً خطر را قریب‌الوقوع و دفاع را ضروری می‌دانسته است؛ سپس، معقول بودن این برداشت با توجه به اوضاع و احوال سنجیده شود (آقای‌نیا و دبستانی، ۱۳۹۴: ۱۸۳ و ۱۸۵؛ Alexander, 2021: 179؛ Elliott and Quinn, 2014: 283).

چهارم، درباره درجه امنیت لازم برای عقب‌نشینی، حقوق ایران معیار مستقلی ندارد، اما قانون مجازات نمونه آمریکا از امکان

قانون فلوریدا نمونه برجسته گسترش اصل ایستادگی است. مطابق این قانون، شخصی که به‌طور قانونی در محل حضور دارد و در فعالیت مجرمانه مشارکت نمی‌کند، در صورت تحقق شرایط دفاع مشروع، مکلف به عقب‌نشینی نیست و در برخی موارد از حمایت‌های آیینی و مدنی نیز برخوردار می‌شود (The Florida Statutes, 2006: 766; Ackermann et al., 2015: 114). توجیه این رویکرد آن است که قربانی نباید به سبب تجاوز دیگری ناگزیر به فرار شود؛ به‌ویژه آنکه ارزیابی امکان عقب‌نشینی در لحظه حمله دشوار و مستعد داوری پسینی است (Reinhart, 2007: 5؛ رحیمی‌پور، ۱۳۹۸: ۳۸۵). با این حال، اصل ایستادگی به دلیل احتمال تبدیل منازعات قابل اجتناب به خشونت مرگبار و دشوار شدن تمایز دفاع ضروری از مقابله‌جویی و انتقام، با انتقاد مواجه است. افزون بر این، اجرای آن ممکن است از برداشت‌های اجتماعی و نژادی از خطر متأثر شود؛ زیرا معیار ظاهراً بی‌طرف «باور معقول» در عمل می‌تواند تحت تأثیر کلیشه‌های اجتماعی قرار گیرد (Ackermann et al., 2015: 117, 120; Cotton, 2015: 59).

در حقوق آمریکا، باور معقول واجد دو بعد ذهنی و عینی است: مدافع باید از یک سو واقعاً به ضرورت استفاده از نیرو باور داشته باشد و از سوی دیگر، این باور با توجه به اوضاع حادثه، از دید شخص متعارف نیز قابل قبول باشد. نوع سلاح، فاصله طرفین، شدت تهدید، تفاوت جسمانی، سابقه خشونت، محل وقوع و فرصت تصمیم‌گیری، از عوامل مؤثر در این ارزیابی‌اند (Alexander, 2021: 179; Elliott and Quinn, 2014: 281).

در مجموع، حقوق ایالات متحده سه الگوی اصلی را می‌شناسد: تکلیف به عقب‌نشینی در صورت وجود راه امن خروج، اصل ایستادگی در اماکن دارای حضور قانونی و دکترین قلعه در قلمرو منزل. قانون مجازات نمونه نیز با مشروط کردن عقب‌نشینی به علم مدافع و امکان دستیابی به امنیت کامل، راه‌حلی میانه برگزیده است (رحیمی‌پور، ۱۳۹۸: ۳۸۶؛ قاسمی‌مقدم و میرسعیدی، ۱۴۰۰: ۳۳۴).

۵- تحلیل تطبیقی حقوق ایران و ایالات متحده آمریکا

مقایسه حقوق ایران و ایالات متحده نشان می‌دهد که هر دو نظام، ضرورت و معقول بودن رفتار را از ارکان دفاع مشروع می‌دانند،

دستیابی به امنیت سخن می‌گوید. با این حال، در تحلیل حقوق ایران، «امنیت کامل» مفهومی بیش‌ازحد مطلق است و «امنیت متعارف و قابل‌اعتماد» مناسب‌تر به نظر می‌رسد (رحیمی‌پور، ۱۳۹۸: ۳۸۱؛ قاسمی‌مقدم و میرسعیدی، ۱۴۰۰: ۳۲۹).

پنجم، آگاهی مدافع از امکان خروج، شرطی مهم است. نمی‌توان شخص را به سبب استفاده نکردن از مسیری مسؤول دانست که در لحظه‌ی حادثه از آن آگاه نبوده یا فرصت تشخیص آن را نداشته است. از این‌رو، علم مدافع باید بر مبنای قرائن موجود در زمان حمله احراز شود، نه اطلاعات پسینی (رحیمی‌پور، ۱۳۹۸: ۳۸۲؛ آقایی‌نیا و دبستانی، ۱۳۹۴: ۱۸۶).

ششم، جایگاه منزل در حقوق آمریکا، به‌ویژه در دکتترین قلعه، موجب معافیت اصولی از عقب‌نشینی می‌شود. در حقوق ایران، هرچند نهادی با همین عنوان وجود ندارد، تعرض به منزل می‌تواند در ارزیابی شدت خطر و ضرورت دفاع مؤثر باشد. با این حال، ورود غیرمجاز به‌تنهایی مجوز مطلق برای توسل به نیروی مرگبار نیست و شدت واکنش باید بر پایه‌ی نوع تهدید، نحوه ورود و امکان دفع خطر با وسیله‌ای خفیف‌تر سنجیده شود (Reinhart, 2007: 4؛ میرمحمدصادقی، ۱۴۰۳: ۳۱۹؛ الهی‌منش، ۱۴۰۰: ۲۸۴؛ گلدوزیان، ۱۳۹۷: ۱۷۳).

هفتم، اثر حقوقی امکان عقب‌نشینی در نظام‌های آمریکایی تابع دو الگوی متفاوت است: در برخی ایالات، وجود راه خروج امن شرط مشروعیت نیروی مرگبار است و در برخی دیگر، اصل ایستادگی حاکم است. در حقوق ایران، پذیرش هر یک از این دو الگوی مطلق با ساختار ماده ۱۵۶ سازگار نیست؛ زیرا بی‌اعتنایی کامل به امکان فرار می‌تواند به تجویز نیروی غیرضروری بینجامد و تبدیل آن به شرط مستقل نیز فاقد نص قانونی و مستلزم تحمیل خطر بر مدافع است (قاسمی‌مقدم و میرسعیدی، ۱۴۰۰: ۳۳۳ و ۳۳۵؛ شمس‌ناتری و زارع، ۱۳۹۶: ۱۴۲؛ رحیمی‌پور، ۱۳۹۸: ۳۸۸).

راحل مناسب‌تر آن است که امکان عقب‌نشینی در حقوق ایران اثر قرینه‌ای داشته باشد؛ یعنی شرط مستقل دفاع نباشد، اما در کنار شدت تهدید، فاصله طرفین، نوع سلاح، فرصت تصمیم‌گیری، امکان استمداد و خطر نسبت به ثالث، در احراز ضرورت رفتار دفاعی لحاظ شود (اردبیلی، ۱۴۰۰: ۲۷۵؛ رضایی سیاهبیدی، ۱۳۹۶: ۱۶۸).

در این چارچوب، امکان عقب‌نشینی تنها زمانی می‌تواند قرینه فقدان ضرورت باشد که واقعی، فوری، معلوم برای مدافع، متعارفاً ایمن و فاقد خطر جدی برای دیگری باشد. در غیر این صورت، استناد به آن برای نفی دفاع دشوار است (رحیمی‌پور، ۱۳۹۸: ۳۸۹؛ قاسمی‌مقدم و میرسعیدی، ۱۴۰۰: ۳۳۷).

از حیث اثباتی نیز نمی‌توان از مدافع خواست فقدان همه راه‌های فرضی خروج را ثابت کند. پس از احراز اصل تجاوز یا خطر و قرائن دفاع، بار ارائه دلیل بر وجود امکان خروج ایمن و تجاوز از حدود دفاع بر عهده مدعی آن است؛ امری که با تبصره ۲ ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی سازگارتر است (شمس‌ناتری و زارع، ۱۳۹۶: ۱۴۰؛ زراعت، ۱۳۹۸: ۲۴۱).

برآیند این مطالعه آن است که ارزش تجربه آمریکا برای حقوق ایران در اقتباس کامل از اصل ایستادگی یا تکلیف به عقب‌نشینی نیست، بلکه در تفکیک دقیق عناصر مؤثر در تصمیم مدافع است؛ از جمله علم به راه خروج، درجه امنیت، محل حادثه، فرصت تصمیم‌گیری، حق حضور و خطر نسبت به ثالث. این عناصر می‌توانند ابهام ماده ۱۵۶ را کاهش داده و به وحدت نسبی رویه کمک کنند (رحیمی‌پور، ۱۳۹۸: ۳۹۰؛ قاسمی‌مقدم و میرسعیدی، ۱۴۰۰: ۳۳۹).

در نتیجه، حقوق ایران باید از دوگانه ساده «فرار یا ایستادگی» عبور کند. عقب‌نشینی نه تکلیفی مطلق است و نه امری بی‌اثر؛ بلکه قرینه‌ای مهم، اما غیرقاطع در سنجش ضرورت استفاده از نیروی مرگبار است، قرینه‌ای که اعتبار آن به واقعی، فوری، آگاهانه و ایمن بودن امکان خروج وابسته است (اردبیلی، ۱۴۰۰: ۲۷۶؛ قاسمی‌مقدم و میرسعیدی، ۱۴۰۰: ۳۴۰).

۶- الگوی پیشنهادی برای ارزیابی عقب‌نشینی در حقوق ایران
بررسی مبانی فقهی، ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی و تجربه حقوق ایالات متحده نشان می‌دهد که عقب‌نشینی در حقوق ایران شرطی مستقل و مطلق برای دفاع مشروع نیست؛ زیرا تحمیل چنین شرطی از طریق تفسیر قضایی، توسعه محدودیت‌های دفاع مشروع فراتر از نص قانون است. با این حال، نادیده گرفتن کامل امکان خروج ایمن نیز با ضرورت دفاع و رعایت مراتب آن سازگار نیست. بر این اساس، عقب‌نشینی باید صرفاً به‌عنوان قرینه‌ای مؤثر، اما غیرقاطع، در ارزیابی ضرورت دفاع لحاظ شود (اردبیلی، ۱۴۰۰: ۲۷۵؛ شمس‌ناتری و زارع، ۱۳۹۶: ۱۴۲).

شناسایی دفاع از دیگری در ماده ۱۵۶، امکان نجات شخص مدافع به‌تنهایی مشروعیت حمایت از فرد در معرض خطر را منتفی نمی‌کند (اردبیلی، ۱۴۰۰: ۲۷۲؛ گلدوزیان، ۱۴۰۳: ۳۳۱).

۶) شدت و نوع خطر: ارزش و اهمیت عقب‌نشینی با شدت تجاوز تناسب دارد. در برابر تعرض محدود به مال، وجود راه خروج یا امکان استمداد می‌تواند ضرورت نیروی مرگبار را تضعیف کند؛ اما در برابر مهاجم مسلح و خطر قتل یا صدمه شدید، احتمال ضعیف فرار برای نفی ضرورت دفاع کافی نیست (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۳: ۳۱۹؛ شمس‌ناتری و زارع، ۱۳۹۶: ۱۳۰).

۷) محل وقوع تجاوز: تعرض به منزل، با توجه به منزلت آن به‌عنوان پناهگاه، نقض حریم خصوصی و دشواری خروج، گزینه‌ای مهم در ارزیابی ضرورت دفاع است؛ هرچند وقوع حادثه در منزل، مجوز مطلق استفاده از نیروی مرگبار نیست و شدت تجاوز و امکان استفاده از وسیله خفیف‌تر همچنان باید بررسی شود (الهی‌منش، ۱۴۰۰: ۲۸۴؛ میرمحمدصادقی، ۱۴۰۳: ۳۱۹).

۸) نقش مدافع در ایجاد خطر: شخصی که آگاهانه نزاع را آغاز یا دیگری را تحریک کرده است، نمی‌تواند همانند قربانی بی‌تقصیر از عدم تکلیف به عقب‌نشینی بهره‌مند شود. مطابق بند "پ" ماده ۱۵۶، خطر نباید ناشی از اقدام آگاهانه یا تجاوز خود مدافع باشد؛ بنابراین، نقش وی در ایجاد وضعیت خطرناک باید پیش از بررسی امکان عقب‌نشینی احراز شود (اردبیلی، ۱۴۰۰: ۲۷۳؛ گلدوزیان، ۱۴۰۳: ۳۳۰).

۹) ویژگی‌های شخصی و جسمانی طرفین: سن، سلامت، معلولیت، جراحت، آشنایی با محیط، اختلاف قدرت بدنی، تعداد مهاجمان، نوع پوشش و همراه داشتن کودک، بر قابلیت واقعی خروج اثر می‌گذارد. معیار شخص متعارف باید ناظر به فردی با وضعیت مشابه مدافع باشد، نه انسانی انتزاعی و فاقد ویژگی‌های عینی (آقای‌نیا و دبستانی، ۱۳۹۴: ۱۸۵؛ Elliott and Quinn, 2014: 283).

۱۰) فرصت تصمیم‌گیری: در حملات ناگهانی، محدودیت زمانی، شوک، ترس عقلایی و خطای ادراکی باید در ارزیابی رفتار مدافع لحاظ شود. هرچه فرصت تصمیم‌گیری کوتاه‌تر باشد، اثبات

دادگاه نباید تنها بر پایه وجود امکان فرار تصمیم بگیرد، بلکه باید احراز کند که در لحظه خطر، مسیر خروجی واقعی، فوری، قابل تشخیص و متعارفاً ایمن وجود داشته است. صرف وجود در، پنجره، راهرو یا فضای باز کافی نیست؛ زیرا مسیر ممکن است مدافع را در معرض حمله از پشت، تعقیب، سقوط، گرفتار شدن یا آسیب شدیدتر قرار دهد. بنابراین، امکان عقب‌نشینی باید با توجه به اوضاع عینی و ادراک متعارف مدافع در زمان حادثه، نه بر مبنای بازسازی پسینی صحنه، سنجیده شود (آقای‌نیا و دبستانی، ۱۳۹۴: ۱۸۳ و ۱۸۵؛ قاسمی‌مقدم و میرسعیدی، ۱۴۰۰: ۳۲۹).

الگوی پیشنهادی بر عناصر زیر استوار است:

۱) واقعی بودن امکان خروج: مسیر باید در زمان حمله مشخص، عملی و فاقد مانع مهم مادی یا انسانی باشد. راهی که مهاجم مسلح میان مدافع و آن قرار دارد یا به فضای بسته و نایمن منتهی می‌شود، امکان واقعی عقب‌نشینی نیست (اردبیلی، ۱۴۰۰: ۲۷۴؛ میرمحمدصادقی، ۱۴۰۳: ۳۱۳).

۲) فوری و در دسترس بودن مسیر: خروجی که مستلزم عبور از کنار مهاجم، گشودن قفل، یافتن کلید یا طی مسافتی زمان‌بر است، در شرایط خطر فوری نمی‌تواند جایگزین عملی دفاع تلقی شود (گلدوزیان، ۱۴۰۳: ۳۲۸؛ شمس‌ناتری و زارع، ۱۳۹۶: ۱۲۹).

۳) آگاهی مدافع: مسؤولیت ناشی از ترک نکردن مسیر، منوط به آگاهی مدافع از وجود و قابلیت استفاده از آن است. تاریکی، ازدحام، ناآشنایی با محیط، اضطراب و سرعت حمله می‌تواند این آگاهی را منتفی یا مخدوش سازد. از این‌رو، ادراک واقعی و معقول مدافع باید در کنار وضعیت عینی صحنه بررسی شود (رحیمی‌پور، ۱۳۹۸: ۳۸۱؛ آقای‌نیا و دبستانی، ۱۳۹۴: ۱۸۵).

۴) ایمنی متعارف: عقب‌نشینی زمانی بر دفاع مقدم است که خطر قابل توجه تازه‌ای ایجاد نکند. اطمینان مطلق لازم نیست، اما مسیر باید به‌طور متعارف و قابل اعتماد به رفع خطر بینجامد؛ بنابراین، احتمال تعقیب، تیراندازی، حمله از پشت یا گرفتار شدن، مانع تحمیل عقب‌نشینی است (قاسمی‌مقدم و میرسعیدی، ۱۴۰۰: ۳۲۹؛ رحیمی‌پور، ۱۳۹۸: ۳۸۲).

۵) عدم افزایش خطر برای اشخاص ثالث: خروج مدافع، در صورتی که کودک، سالمند، ناتوان یا شخص دیگری را همچنان در معرض تجاوز قرار دهد، دفع کامل خطر محسوب نمی‌شود. با توجه به

نادیده گرفتن آگاهانه مسیر خروج روشن و ایمن دشوارتر است (آقای‌نیا و دبستانی، ۱۳۹۴: ۱۸۶؛ رحیمی‌پور، ۱۳۹۸: ۳۸۵).

بر این مبنا، امکان عقب‌نشینی تنها زمانی می‌تواند قرینه‌ای قوی بر فقدان ضرورت دفاع مرگبار باشد که وجود مسیر خروجی روشن، در دسترس و ایمن، آگاهی مدافع از آن، فرصت کافی برای استفاده و عدم افزایش خطر برای خود یا دیگری احراز شود. در غیر این صورت، استناد به امکان فرار، تحمیل تکلیفی فراتر از قانون و ناسازگار با واقعیت موقعیت‌های دفاعی خواهد بود (قاسمی‌مقدم و میرسعیدی، ۱۴۰۰: ۳۳۷؛ شمس‌ناتری و زارع، ۱۳۹۶: ۱۴۲).

از حیث اثباتی، پس از احراز اصل تجاوز یا خطر و رفتار دفاعی، اثبات فقدان تمامی مسیرهای فرضی فرار بر عهده مدافع نیست. مطابق تبصره ۲ ماده ۱۵۶، در صورت احراز اصل دفاع و تردید در رعایت شرایط آن، اثبات عدم رعایت شرایط بر عهده مهاجم است. بنابراین، مدعی فقدان ضرورت به سبب وجود راه خروج ایمن باید وجود و قابلیت استفاده از آن را اثبات کند؛ هرچند مدافع نیز مکلف است قرائن اولیه خوف عقلایی و وضعیت دفاعی خود را ارائه دهد (شمس‌ناتری و زارع، ۱۳۹۶: ۱۴۰؛ زراعت، ۱۳۹۸: ۲۴۱).

۷- پاسخ به پرسش‌های پژوهش

نخست، در حقوق کیفری ایران تکلیف مستقل و صریحی به عقب‌نشینی پیش از دفاع مشروع وجود ندارد؛ زیرا ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی، صرفاً ضرورت رفتار دفاعی را شرط دانسته و عدم امکان فرار را به عنوان شرط دفاع مقرر نکرده است. بنابراین، تحمیل چنین تکلیفی از طریق تفسیر، با اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری ناسازگار است (اردبیلی، ۱۴۰۰: ۲۷۴؛ شمس‌ناتری و زارع، ۱۳۹۶: ۱۴۲).

دوم، امکان خروج ایمن کاملاً بی‌اثر نیست؛ زیرا اگر مدافع با علم به وجود راهی فوری، روشن و مطمئن برای رفع خطر، بی‌جهت از نیروی مرگبار استفاده کند، این امر می‌تواند قرینه‌ای بر فقدان ضرورت یا تجاوز از مراتب دفاع باشد. باین‌حال، صرف امکان فرار، بدون احراز اوضاع واقعی حادثه، برای نفی دفاع مشروع کافی نیست (قاسمی‌مقدم و میرسعیدی، ۱۴۰۰: ۳۳۵؛ اردبیلی، ۱۴۰۰: ۲۷۵).

سوم، حقوق ایالات متحده الگوی واحدی ندارد: برخی ایالت‌ها همچنان تکلیف به عقب‌نشینی را در نیروی مرگبار پذیرفته‌اند، برخی اصل ایستادگی را برگزیده‌اند و بسیاری در قالب دکترین قلعه، مدافع را در منزل از عقب‌نشینی معاف می‌کنند. قانون مجازات نمونه نیز با منوط کردن عقب‌نشینی به علم شخص به امکان دستیابی به امنیت، رویکردی میانه اتخاذ کرده است (رحیمی‌پور، ۱۳۹۸: ۳۸۶؛ Reinhart, 2007: 4).

چهارم، برای حقوق ایران، مناسب‌ترین راه حل نه پذیرش تکلیف مطلق به عقب‌نشینی است و نه اصل مطلق ایستادگی؛ بلکه باید امکان عقب‌نشینی را قرینه‌ای در سنجش ضرورت دفاع دانست. این قرینه تنها زمانی مؤثر است که خروج، واقعی، فوری، معلوم برای مدافع، متعارفاً ایمن و فاقد خطر برای دیگری باشد (شمس‌ناتری و زارع، ۱۳۹۶: ۱۲۹؛ قاسمی‌مقدم و میرسعیدی، ۱۴۰۰: ۳۳۹).

نتیجه‌گیری

دفاع مشروع نهادی استثنایی برای حمایت از حقوق بنیادین شخص در برابر تجاوز یا خطر ناحق است و مشروعیت آن به ضرورت و تناسب رفتار دفاعی وابسته است. بررسی ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی نشان می‌دهد که عقب‌نشینی شرط مستقل دفاع مشروع نیست و صرف وجود احتمالی راه خروج، موجب زوال آن نمی‌شود.

با این حال، امکان عقب‌نشینی در ارزیابی ضرورت بی‌اثر نیست. چنانچه راه خروجی واقعی، فوری، شناخته‌شده و عرفاً ایمن وجود داشته باشد، این امر می‌تواند نشان دهد که استفاده از نیروی مرگبار آخرین وسیله دفاعی نبوده است. بنابراین، عقب‌نشینی باید قرینه‌ای برای احراز ضرورت و رعایت مراتب دفاع، نه شرطی مستقل، تلقی شود.

مطالعه حقوق ایالات متحده آمریکا و مقایسه رویکردهای الزام به عقب‌نشینی، اصل ایستادگی و دکترین قلعه نشان می‌دهد که هیچ‌یک از الگوهای مطلق، یعنی الزام همیشگی به فرار یا بی‌اثر دانستن کامل آن، پاسخ‌گوی همه موقعیت‌ها نیست. بر این اساس، الگوی مطلوب برای حقوق ایران، پذیرش «اثر قرینه‌ای عقب‌نشینی» است.

پیشنهاد اصلاح ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی

با توجه به ابهام موجود در خصوص تأثیر امکان عقب‌نشینی بر مشروعیت دفاع، پیشنهاد می‌شود تبصره‌ای به ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی الحاق شود:

تبصره ۴- امکان ترک محل یا عقب‌نشینی، به‌خودی‌خود مانع تحقق دفاع مشروع نیست؛ لیکن هرگاه مرتکب، با توجه به قرائن موجود، آگاه باشد که می‌تواند بدون ایجاد خطر قابل توجه برای خود یا دیگری و از مسیر فوری، واقعی و متعارف از خطر رهایی یابد، این امر در احراز ضرورت رفتار دفاعی مورد توجه قرار می‌گیرد. در تجاوز واقع شده در منزل، مدافع مکلف به ترک منزل نیست؛ با این حال، استفاده از نیروی کشنده منوط به وجود خوف عقلایی از مرگ، صدمه شدید جسمانی یا تعرضی هم‌سنگ است.

این حکم پیشنهادی، عقب‌نشینی را به شرطی مستقل برای تحقق دفاع مشروع تبدیل نمی‌کند، بلکه آن را در قلمرو ارزیابی ضرورت رفتار دفاعی قرار می‌دهد. بدین ترتیب، با ساختار ماده ۱۵۶ سازگارتر است؛ زیرا قانون‌گذار، ضرورت رفتار ارتكابی را شرط دانسته، اما عدم امکان فرار را به‌عنوان شرطی جداگانه مقرر نکرده است. از این رو، تبصره پیشنهادی بیش از آنکه قید تازه‌ای بر دفاع مشروع بیفزاید، حدود و شیوه تفسیر شرط ضرورت را روشن می‌سازد.

همچنین، تأکید بر آگاهی مرتکب از امکان خروج، مانع آن است که شخص به سبب استفاده نکردن از مسیری که از وجود آن آگاه نبوده یا در وضعیت اضطراری قادر به تشخیص آن نبوده است، فاقد حق دفاع تلقی شود. سنجش این آگاهی نیز باید بر پایه قرائن موجود در زمان حمله و از منظر شخص متعارف در وضعیت مدافع صورت گیرد.

افزون بر این، قید «بدون ایجاد خطر قابل توجه برای خود یا دیگری» برای جلوگیری از تحمیل عقب‌نشینی مخاطره‌آمیز ضروری است. مدافع نباید برای پرهیز از دفاع، خود را در معرض خطر تازه قرار دهد یا در مقام حمایت از دیگری، او را در برابر مهاجم رها کند. همچنین، وصف‌های «فوری، واقعی و متعارف» برای تفکیک امکان عملی عقب‌نشینی از امکان صرفاً نظری آن به کار رفته است؛ بنابراین، مسیری که مستلزم عبور از کنار مهاجم، رفع موانع متعدد یا پیمودن راهی طولانی باشد، جایگزین فوری دفاع محسوب نمی‌شود.

بر پایه‌ی این الگو، دادگاه باید امکان خروج را با توجه به شدت خطر، نوع سلاح، تعداد مهاجمان، محل حادثه، وضعیت جسمانی طرفین، فرصت تصمیم‌گیری، آگاهی مدافع، احتمال تعقیب و خطر متوجه اشخاص ثالث ارزیابی کند. این رویکرد ضمن حمایت از مدافع در برابر الزام به فرار خطرناک، از توسل غیرضروری به نیروی مرگبار نیز جلوگیری می‌کند. در نهایت، رفع ابهام ماده ۱۵۶ از طریق تصریح قانونی یا تعیین معیارهای قضایی روشن، برای پیشگیری از برداشت‌های متفاوت و تأمین امنیت قضایی ضروری است.

پیشنهادهای

۱. در ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی یا تبصره‌ای الحاقی تصریح شود که وجود امکان عقب‌نشینی، شرط مستقل دفاع مشروع نیست، اما می‌تواند در احراز ضرورت رفتار دفاعی مورد توجه قرار گیرد.

۲. مقرر شود امکان عقب‌نشینی فقط هنگامی در ارزیابی دفاع مؤثر است که راه خروج واقعی، فوری، برای مدافع قابل تشخیص و از نظر متعارف ایمن باشد و خروج خطر قابل توجهی برای وی یا شخص ثالث ایجاد نکند.

۳. در ارزیابی امکان عقب‌نشینی، شرایط شخصی مدافع از جمله سن، وضعیت جسمانی، تعداد مهاجمان، آشنایی با محیط، همراه داشتن اشخاص ناتوان و فرصت تصمیم‌گیری مورد توجه قرار گیرد.

۴. در تجاوز واقع شده در منزل، اصل بر عدم الزام مدافع به ترک منزل باشد؛ بدون آنکه این امر به ایجاد مجوز مطلق برای استفاده از نیروی مرگبار منجر شود.

۵. در رویه قضایی، میان امکان نظری فرار و امکان واقعی و ایمن عقب‌نشینی تفکیک شود و بازسازی پسینی صحنه، به‌تنهایی مبنای نفی ضرورت دفاع قرار نگیرد.

۶. اثبات وجود راه خروج واقعی و ایمن، پس از احراز اصل دفاع، بر عهده شخصی قرار گیرد که به استناد امکان عقب‌نشینی، مدعی فقدان ضرورت یا تجاوز از حدود دفاع است.

۷. قوه قضاییه با انتشار آرای مرتبط و تدوین معیارهای ارزیابی ضرورت دفاع، زمینه شکل‌گیری رویه‌ای منسجم درباره اثر امکان عقب‌نشینی را فراهم کند.

منابع

الف. منابع فارسی

- آقای‌نیا، حسین و دبستانی، محمد (۱۳۹۴)، «تحلیل معیار خوف عقلایی و قرائن معقول در دفاع مشروع»، *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*.

- اردبیلی، محمدعلی (۱۴۰۰)، *حقوق جزای عمومی*، جلد سوم، تهران: نشر میزان، چاپ بیست و چهارم.

- الهی‌منش، محمدرضا (۱۴۰۰)، *دفاع مشروع در حقوق کیفری ایران و فقه امامیه*، تهران: انتشارات جنگل.

- خانی، محمد (۱۴۰۵)، «معیارهای شناسایی قرینه معقول در حقوق دادرسی کیفری ایران»، *مجله حقوقی دادگستری*، ۱۳۳(۹۰): ۲۹۰-۲۵۷.

- رحیمی‌پور، اسماعیل (۱۳۹۸)، «تحلیل تطبیقی تکلیف به عقب‌نشینی در دفاع مشروع در حقوق کیفری ایران و آمریکا»، *فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی*.

- زراعت، عباس (۱۳۹۸)، *شرح مختصر قانون مجازات اسلامی*، تهران: انتشارات ققنوس.

- شمس‌ناتری، محمد ابراهیم و زارع، محمدکاظم (۱۳۹۶)، «بازشناسی مفهوم دفاع مشروع در قانون جدید مجازات اسلامی»، *فقه و مبانی حقوق اسلامی*، ۵۰(۱): ۱۲۵-۱۴۳.

- قاسمی‌مقدم، حسن و میرسیدی، زکیه سادات (۱۴۰۰)، «عدم امکان فرار به عنوان شرط اباحه دفاع کشنده؛ با نگرشی تطبیقی به نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا»، *مجله حقوقی دادگستری*، ۱۱۴(۸۵): ۳۱۹-۳۴۲.

- گلدوزیان، ایرج (۱۴۰۳)، *محشای قانون مجازات اسلامی*، تهران: انتشارات مجد.

- محقق داماد، سیدمصطفی (۱۴۰۰)، *قواعد فقه؛ بخش جزایی*، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

- موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۵)، *تحریرالوسیله*، جلد دوم، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

در نهایت، بخش پایانی تبصره، هرچند ترک منزل را بر مدافع واجب نمی‌داند، اما استفاده از نیروی کشنده را همچنان منوط به وجود خوف عقلایی از مرگ، صدمه شدید جسمانی یا تعرضی هم‌سنگ می‌کند. بدین‌سان، منزل از حمایت ویژه برخوردار می‌شود، بدون آنکه این حمایت به مجوزی مطلق برای اعمال نیروی مرگ‌بار تبدیل گردد.

دست‌آورد نوآورانه پژوهش

نوآوری بنیادین این پژوهش، تبیین نظریه «اثر قرینه‌ای عقب‌نشینی» در حقوق کیفری ایران است. مطابق این نظریه، عقب‌نشینی نه یک «شرط استقلالی» برای تحقق دفاع مشروع، بلکه «قرینه‌ای ارزیابی‌شدنی» در سنجش «ضرورت دفاع» است؛ مشروط بر آنکه امکان خروج، واقعی، فوری، معلوم و ایمن بوده و مخاطره‌ای نوین برای مدافع یا ثالث ایجاد نکند.

این انگاره با ایجاد تعادل میان دو رویکرد افراطی «تکلیف مطلق به فرار» و «بی‌اثر انگاری عقب‌نشینی»، خلأ نظری موجود در تفسیر ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی را مرتفع می‌سازد. مدل پیشنهادی، ارزیابی مشروعیت دفاع را از آزمون‌های انتزاعی به «تحلیل عینی- شخصی» اوضاع و احوال سوق می‌دهد؛ به گونه‌ای که دادگاه با سنجش مجموعه‌ای از متغیرها (شامل علم مدافع، فرصت تصمیم‌گیری، نوع سلاح، وضعیت جسمانی و محل وقوع حمله)، ضرورت یا عدم ضرورت رفتار دفاعی را احراز می‌کند.

در ساحت تطبیقی نیز، پژوهش حاضر به جای اقتباس صرف دکترین‌های بیگانه (مانند «اصل ایستادگی» یا «دکترین قلعه»)، عناصر تحلیلی این الگوها را با هدف تفسیر بومی ماده ۱۵۶ و رفع ابهام از مؤلفه‌های ضرورت، به گونه‌ای نظام‌مند بازسازی و در چارچوب مبانی فقهی- قانونی ایران ادغام کرده است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

تعارض منافع: در این مقاله هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله مشترکاً توسط نویسندگان صورت گرفته است.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش فاقد تأمین‌کننده مالی بوده است.

- میر محمد صادقی، حسین (۱۴۰۳)، *جرائم علیه اشخاص*، تهران: نشر میزان.

ب. قوانین و اسناد

- جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۱). قانون راجع به مجازات اسلامی، مصوب ۲۱ مهر ۱۳۶۱.

- جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۰). قانون مجازات اسلامی، مصوب ۸ مرداد ۱۳۷۰، با اصلاحات و الحاقات بعدی.

- جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۲). قانون مجازات اسلامی مصوب ۱ اردیبهشت ۱۳۹۲، با اصلاحات و الحاقات بعدی.

- جمهوری اسلامی ایران (۱۳۰۴). قانون مجازات عمومی، مصوب ۲۳ دی ۱۳۰۴، با اصلاحات و الحاقات بعدی.

- جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸/۱۳۶۸). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، با اصلاحات و بازنگری ۱۳۶۸.

- American Law Institute (1985). *Model Penal Code and Commentaries: Part I, General Provisions* (Official Draft and Revised Comments). American Law Institute.

- Florida Legislature (2026). *Florida Statutes, Title XLVI, Chapter 776: Justifiable Use of Force*.

ج. منابع انگلیسی

- Ackermann, N; Goodman, M. S; Gilbert, K; Arroyo-Johnson, C & Pagano, M (2015). "Race, Law, and Health: Examination of 'Stand Your Ground' and Defendant Convictions in Florida." *Social Science & Medicine*, (142): 194-201.

- Alexander, L (2021). "Self-Defense, Justification, and the Duty to Retreat." *Criminal Law and Philosophy*.

- Elliott, C & Quinn, F (2014). *Criminal Law*. Harlow: Pearson Education.

- Reinhart, C (2007). *Castle Doctrine and Self-Defense*. Connecticut General Assembly, Office of Legislative Research.